پژوهشنامه‌ی ادب غنایی
دانشگاه سیستـــان و بلوچستـــان
سال نهم، شماره‌ی شانزدهم، بهار و تابستان 1390
(صص: 114- 99)

مقایسه‌ی محتوایی لیلی و مجنون نظامی و فراق نامه‌ی سلمان ساوجی

دکتر آسیه ذبیح نیاعمران*
استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور یزد

چکیده

مقاله‌ی حاضر به منظور بررسی و مقایسه‌ی لیلی و مجنون نظامی و فراق نامه‌ی سلمان ساوجی، به شیوه‌ی کتابخانه‌ای نوشته شده است و یافته های پژوهش به شکل توصیفی و تحلیلی ارائه شده است.

لیلی و مجنون نظامی، بی شک، یکی از شاهکارهای غنایی ادب ایران و جهان است. چنین اثر ژرفی در کنار التذاذ هنری حاصل از آن، توانایی آن را دارد که همواره مورد بازاندیشی و تأمل قرار گیرد تا بدین وسیله بتوان باژرف اندیشی وغور در ساختمان، محتوای درونی و سایر توان های ساختاری نهفته در آن، موارد ارزشمندی را یافت.

هدف از تدوین این مقاله آن است که داستان " لیلی ومجنون " نظامی و" فراق نامه‌ی" سلمان ساوجی از نظر محتوایی با هم مقایسه شود؛ از آن جایی که سلمان ساوجی از مقلدان نظامی محسوب

*Email: asieh.zabihni@gmail.com

تاریخ دریافت: 89/8/30 تاریخ پذیرش: 90/2/15

Archive of SID
www.SID.ir

می‌شود مقاله تلاش دارد تا تاثیرات نظامی بر فراق نامه را تبیین نماید. به همین دلیل محور کلی این مقاله بررسی امکانات ساختاری نهفته دراین دو اثراست.

واژگان کلیدی: نظامی، لیلی و مجنون، سلمان ساوجی، فراق نامه، فرم، محتوی.

مقدمه

لیلی و مجنون نظامی، قصه ای تازی است که نظامی آن را در سال **548** ه.ق در**4700** بیت ساخته است. آن سرگذشت عشقی پرحرمان است بین قیس بنی عامر با لیلی که از مکتب خانه آغاز می شود، بر سر راه این عشق مشکل ها ایجاد می شود زیرا لیلی به خانه‌ی شوهری به نام ابن سلام می رود، قیس، مجنون حقیقی می‌شود، سر به بیابان می گذارد. نه از مرگ پدر و مادر خبر دارد نه از مرگ ابن سلام. لیلی ناکام می‌میرد و مجنون بر سر تربت او جان می دهد.

از داستان عشق این دو، شاید بیش از هر داستان عشقی دیگری، در ادب فارسی سخن گفته شده است. ادب غنایی فارسی و ترکی مملواست از داستان این دو دلداده، که سرآغاز آن ها تقریباً از لیلی و مجنون نظامی گنجوی است. یان ریپکا درباره‌ی این مثنوی می نویسد: «اعتقاد براین است که لیلی و مجنون نسبت به حماسه های قبلی نظامی در سطح پایینی قراردارد؛ لیکن من مخالف این عقیده ام، این مثنوی از نظرتوسعه طرح و عمق عاطفی، نه زبان و صنایع بدیعی آن با سایر مثنوی های نظامی پهلو می زند. از این ها گذشته، تعداد تقلید هایی که از آن به عمل آمده نشانگرمحبوبیت آن است» (ریپکا، **1370**: **80**). هرمان اته نیز از **32** لیلی و مجنون فارسی و**8** منظومه‌ی ترکی نام می بردکه همگی به تقلید از نظامی سروده شده اند (اته، **1536**: **85**).

نکته‌ی در خور توجه این است که بسیاری از شاعران به تقلید از نظامی، با تغییراتی در توصیف های خود، این مثنوی را دوباره نظم کرده اند و یکی از این شاعران سلمان ساوجی است. سلمان از شاعران قرن هشتم (**709**هجری) است و فراق نامه را در سال **770** هجری، به نظم کشیده است. «فراق نامه درذکرمحبت میان شاه اویس و بیرام شاه، پسر خواجه مرجان است و مرگ او در گیلان و فراقی که از این راه بین اویس و او واقع می شود. شاعر، در پایان شعر

Archive of SID

www.SID.ir

تلاش می کند تا با ذکر مصائب عشاق معروف چون لیلی و مجنـون، وامـق و عـذرا، فرهـاد و شیرین و... سلطان اویس را دلداری دهد» (صفا، 1366: ج 3، بخش 2، 1014).

فراق نامه از جهات مختلف تحت تاثیر لیلی و مجنون است و با آن همسـانی بسـیاری دارد که اینک به بحث و بررسی این موارد می پردازیم:

1- هردو اثر واقعی و دارای منشأ تاریخی هستند:

داستان لیلی و مجنون و فراق نامه هر دو دارای منشأ واقعی وتاریخی هستند: «داستان لیلـی و مجنون سه چهارقرنی پیش از نظامی بر سر زبان ها بوده اسـت» (سـبحانی، 1377: 63). ایـن داستان عاشقانه‌ی غم انگیز از داستان های قدیم عرب بوده است. ابن ندیم (از دانشمندان نـامی قرن چهارم) در شمار عشاقی که در جاهلیت و اسلام می زیسته اند و کتبی در اخبار آنان تالیف شده است، کتابی را هم به نام مجنون و لیلی نام می برد (ابن النـدیم، 1348: 425). عـلاوه بـر این ابن قتیبـه (م 276 ه.ق) در الشـعر و الشـعراء (ابـن قتیبـه،1370: 364-355) و ابـوالفرج اصفهانی (م 365 ه.ق) روایات و اخبار لیلی و مجنون را درالاغانی تدوین کرد. او به تفصیل تمام، این داستان را با همه‌ی روایات گوناگون آن نقل کرد و در حقیقت علت شهرت فراوان این داستان در کشورهای عربی و نیز در میان ادیبان و شاعران ایرانی مطالب همـین کتـاب الاغـانی بوده است (ابوالفرج الاصفهانی، 1383: ج1/ 344-304 و ج2/ 17- 2). البتـه سـبب شـهرت الاغانی در ایران، توجه خاص وزیر معروف آل بویه، صاحب بن عباد (م.385 ق) به این کتـاب بوده است (سجادی،1372: 205/2) و ابن نباته در السرح العیون (ابن نباته: 247- 244) نیز به این داستان اشاره‌ی مفصل کرده است. علاوه بر موارد مذکور، جاحظ نیز در آثار خود از جمله: رسائل(جاحظ، 1384: ج 403/2)، البیان والتبین (جاحظ، 1380: ج 1/ 385 و 22/4) و کتاب الحیوان (جاحظ، 1357: ج 169/1 و195/5-193)، تا اندازه ای به این موضوع پرداخته است. بنابراین نظامی در ابداع اصل این داستان هم مبتکر نبوده ولی خود هنگام نظم، در آن تصـرفات

Archive of SID

www.SID.ir

بسیار کرده است (صفا، 1366: ج 2/ 803). به هرحال آفریننده‌ی این داستان نظامی نیست (زرین کوب،1363: 114).

در اواسط قرن پنجم هجری، بادیه نشینان حجاز به ناصر خسرو، ویرانه های قلعه ای را در حوالی طائف نشان دادند که محل زندگی لیلی بوده است؛ و او در سفرنامه خود نوشت: «داستان آنان به غایت عجیب است» (ناصرخسرو، 1350: 101).

عرب ها سروده ای درباره‌ی لیلی و مجنون نمی شناختند. شاید سبب این امرآن باشد که گذشته این داستان مشهور تا قرن دوازدهم میلادی روشن نیست، اما آن چه در آن تردیدی نیست این است که اصل و ریشه این داستان ها به عرب ها تعلق دارد و سابقه‌ی آن به اواخر قرن هفتم میلادی بر می گردد. ارتباط لیلی و مجنون نظامی با منابع عربی از دیرباز روشن بود، اما این مسأله تا امروز چنان که باید بررسی نشده است (کراچکوفسکی، 1373: 25-24).

فراق نامه‌ی سلمان ساوجی نیز مشتمل بر وقایع تاریخی است در ذکر رنج های سلطان اویس و پسر خواجه مرجان بیرامشاه که منظور نظر سلطان اویس بود. این دو عشاق به حدی به هم وابسته بودند که حتی لحظه ای هجران را تحمل نمی کردند اتفاقاً بیرامشاه در سال 761 هجری، به سبب اتفاقات درباری، به حالت قهر، ولی نعمت خود را ترک کرده و به بغداد رفت، اما پس از چندی میان این دو دلداده، صلح افتاد و بیرام باز بر سر خدمت حاضر شد و به جنگ گیلانیان شتافت و درگذشت. یک سال بعد از این واقعه، سلطان اویس، سلمان را مأمور نظم حکایتی مناسب حال خودکرد. «موضوع این مثنوی مناسب با تاریخ است و کتاب های روضه الصفا و حبیب السیر، در مورد اساس حکایت سخن گفته اند» (مشفق، 1336: 14).

2- هر دو داستان پایان غم انگیزی دارند:

هر دو داستان، ماجرای عشقی ناکام وآمیخته با عفت و حفاظ است که تمام آن در محنت و فراق و در دو جدایی و پریشانی می گذرد و سرانجام هم با مرگ و اندوه پایان می گیرد. در داستان لیلی و مجنون، عشق از مکتب آغاز می شود، و به سبب تعصب عربی مانع ها پدید

Archive of SID

www.SID.ir

می‌آید، لیلی برخلاف میل باطنی به خانه‌ی شوهری به نام ابن سلام می رود؛ او پس از ازدواج با ابن سلام هر روز نزارتر می‌شود تا این که به بستر بیماری می افتد و به مادر وصیت می کند تابه مجنون بگوید:

گولیلی ازین ســـرای دلگیـــــر آن لحظه کـــه می‌برید زنجیر
ازمهرتوتن به خاک مـــــی داد بریاد تو جـان پاک مـــی داد
درعاشقی توصـــــادقی کـــرد جان در سرکـــار عاشقی کرد

(نظامی، 1369: 160/1)

و سرانجام از درد فراق جان می سپارد و به ناکام می میرد. وقتی قیس بنـی عـامر از مـرگ لیلی با خبر می شود:

کـز حادثـــه وفـات آن مـــاه چون قیس شکسته دل شد آگاه
گریان شد و تلخ تلخ بگـریست بی گریـه تلخ در جهان کیست
آمـد سوی آن حظیره جوشـــان چون ابر شد از درون خروشان
بر مشهد او که موج خـون بـود آن سوخته دل مپرس چون بود
از دیده چوخون سرشک ریـزان مـــردم زنفیـر او گـریـــزان
در شوشـه تربتش به صـد رنـج پیچیـد چنـان که مـار بر گنج
از بس‌که‌سرشک لاله‌گون ریخت لاله زگیـاه گـورش انگیخت...
وانگـاه بدخمـه سـر فـروکـرد می‌گفت و همی‌گریست از درد
کـای تـازه گـل خـزان رسیـده رفته زجهـان جهـان نـدیـده...

(همان: 254-255-257/1)

در این میان، قیس بنی عامر نیز از شور و شیدایی، مجنون واقعی می شود و وقتـی بـر سـر تربت لیلی می رود، "ای دوست" می گوید و جان می سپارد:

و آخر چو به کار خویش در ماند او نیـز رحیـل نامـه برخواند...

Archive of SID

www.SID.ir

چـون تربـت دوست در بـرآورد ای دوست بگفت وجان برآورد

(همان: 261/1)

سلمان نیز در فراق نامه اذعان می دارد که با گذشت زمان، حال دلدار تغییر می کند و قـد او خمیده می شود و آن گاه او چشم از جهان فرو می بندد. وقتی خبر مرگ او به شاه می رسـد گریان، جامه بر تن می درد و خاک بر سر می ریزد:

ازین پس چـون آمد به شـاه آگـهـی کـــه از دانه در صـدف شـــد تهـــی

چـــو ابـــر از دل آتشی آه کـــرد ز دریـــا بـــرآورد و بـــر مـــــاه زد

چو گل جامه را کرد صد جـای چاک چو بـــاد صبـــا بر سر افشاند خاک...

تـــن نـازنیـــن تـر زبـرگ سمـــن گرفتند چـــون غنچـه اش در کفـــن

نهادنـد از آن پـس به خـاک اندرش شده خشـــت بالیـــن وگل بستـرش

(سلمان ساوجی، 1367: 574)

3- ساختار دو داستان

ساختار لیلی و مجنون نظامی و فراق نامه سلمان ساوجی مشابه هم است:

- هر دو در قالب مثنوی سروده شده اند.
- هر دو داستان از نوع غنایی یا عاشقانه است.
- عاشق و معشوق در هر دو داستان از طبقه‌ی حاکم و مرفه هستند.
- در پایان هر دو داستان، عاشق و معشوق به هم نمی رسند.
- عاشق و معشوق، در هر دو داستان، مدتی از هم دور هستند.
- هر دو اثر وحدت موضوع دارند.
- زاویه‌ی دید داستان، در هر دو اثر، سوم شخص است.

تشبیه و استعاره در هر دو داستان دیده می شود؛ حتی گاه در آوردن استعاره و تشبیه سلمان مستقیماً تحت تاثیر نظامی است. به عبارتی هر دو اثر در استفاده از امکانات صوری با یکـدیگر

Archive of SID

www.SID.ir

همسانی دارند. شاعران هر دو اثردر ترکیب سازی قدرتمند هستند. یعنی از طرفی با بهره منـدی از ابزارهای علم بیان از قبیل تشبیه و استعاره، گویی به جای سخن گفتن نقاشی مـی کننـد و از طرف دیگر با ابزارهای علم بدیع به ویژه بدیع لفظی، موسیقی درونی شعر را اعتلا داده اند.

به طورکلی شباهت های فراوانی بین دو قصه وجود دارد.

4- موضوع و محتوای دو داستان

موضوع و پایان قصه، در هر دو مثنوی به هم شباهت دارد. از نظر شخصیت پردازی، لیلـی، شخصیت مورد علاقه مجنون است همان گونه که بیرام، محبوب شاه اویس است.

موضوع هردو قصه، عشقی جسمانی و از پی رنـگ اسـت و در هـر دو داسـتان، معشـوق جسمانی کشته می شود. پایان دو قصه نیز مشترک است: عشق مجازی در دل معشوق و عاشـق به حدی اثرگذاراست که گویی معشوق خاکی نـابود مـی گـردد و عشـق معنـوی جـای آن را می گیرد. به عبارت دیگر، نوع عشق دگرگون می شود." لیلی در ادب فارسی مظهر کامل عشق و عشق کل و نماینده‌ی تام معشوق شاعران است... در ادب عرفانی فارسی، لیلی مظهر عشق ربانی و الوهیت است و مجنون مظهر روح ناآرام بشری که بر اثر دردها و رنج های جانکاه دیوانه شده و در صحرای جنون ودلدادگی سرگردان است و در جستجوی وصال حـق بـه وادی عشـق در افتاده و می خواهد به مقام قرب حضرت لایزال واصل شود؛ اما بدین مقام نمـی رسـد، مگـرآن روزی که از قفس تن رها شود" (یاحقی، 1369: 379).

به نظر می رسد قهرمانان این داستان با رنگ عرفـانی خـود بـه تـدریج در فرهنـگ و ادب فارسی به نوعی اسطوره بدل شده اند که نماد کمال عشق و وفاداری به شمار می آینـد؛ امـا در ادب عرفانی مجنون رمزی برای عارف و لیلی رمز تجلی ربانی و مقام شهود است:

Archive of SID

www.SID.ir

در ره منزل لیلی کـه خطرهاست در آن شرط اول قدم آن است که مجنون باشی

(حافظ، 1363: 236)

مولانا نیزمجنون رانماد بیخودی می داند:

گفت لیلـــی را خلیفه کـان تویی کز تو مجنون شد پریشان و غـوی؟

از دگر خوبان تو افـزون نیستـــی گفت خامش چون تو مجنون نیستی

(مولوی، 1366: 26/1)

5- شروع یکسان در هر دو قصه:

هر دو اثربا یاد و نام خدا شروع می شوند و هر دو شاعر بعد از حمد و ستایش خداوند بـه مدح حضرت پیامبر(ص) پرداخته اند. سپس هر دو شاعر به معـراج پیـامبر اسـلام (ص) اشـاره می کنند. حتی سلمان، در فراق نامه، در این بخش، از واژگان و کلمات نظامی در لیلی و مجنون بهره می برد وتحت تاثیراوست.

6- هر دو مثنوی به خواهش سلطانی سروده می شوند:

نظامی، لیلی و مجنون را به خواهش ابوالمظفر شروان شاه اخستان بـن منـوچهربن اخسـتان به نظم درآورده است:

خاصه ملکـی چوشاه شـــروان شروان چه که شهریارایـــران ...

این نامه به نامه ازتودرخواسـت بنشیـن و طـرازنامه کن راسـت

(نظامی، 1363: 26/1)

نظم این منظومه چهارماه به طول انجامید:

این چارهـــــزار بیـت اکـشـــر شد گفتـه به چارمـاه کمتـــــر

(همان: 29/1)

سلمان نیز به دستور شاه اویس شروع به نظم فراق نامه می کند:

Archive of SID

www.SID.ir

شبـی بنده را شاه پیـــروز بخـــت طلب کرد و بنشاند در پای‌تخت
ز من نامه‌ای خواست انـــدر فراق که آن نامه باشد سراسر فـــراق

(مشفق، 1336: 120)

7- نامه نگاری در دو داستان

در لیلی و مجنون نظامی آمده: لیلی نامه ای به مجنون می نویسد و نامه خود را بـا حمـد و ستایش خداوند آغاز می کند؛ و پس از آن به ذکر حدیث خود می پردازد:

ای یار قدیـم عهـد چـونـــی ای مهـــره هفت مهـد چـونی
ای خـــازن گنـــج آشنـایـــی عشق از تـــو گرفته روشنـــایی...
ای دل به وفـــای مـن سپـــرده مـــن سر ز وفای تـــونبـــرده
چونـی و چگونـه ای چه ســازی مـن با تو، تو با که عشـق بـازی

(نظامی، 1369: 114)

لیلی، سپس مجنون را به پایداری در عشق دعوت می کند. مجنون، نامه‌ی لیلی را می خواند و پاسخ نامه را چنین می دهد:

مجنون قلم روند برداشـــت نقشی به هزار نکته بنگاشت
دیرینـه غمی که در دلش بود در مرسله سخن بـــرآورد...
لیلی چو به نامه در نظر کـرد اشکش بدوید و ناقه تـرکرد

(همان: 116)

لیلی مجدد نامه‌ای می نویسد. سپس طاقت نمی آورد و برسر راه مجنون می نشیند؛ او پیری قاصد را به نزد مجنون می فرستد، در نهایت مجنون به قرارگاه می رسد و لیلی را مورد خطـاب قرار می دهد:

آیا تو کجا و ما کجـاییـــم توزان کیـــی که ماتراییـــم

Archive of SID

www.SID.ir

ماییم و نوای بی نـــــوایـی بسم الله اگـــرحریف مایـی

(همان: 130)

در فراق نامه نیز چند نامه نگاری دیده می شود و همچون نامه‌ی لیلی بـه مجنـون، بـا نـام خداوند آغاز می شود، سپس گلایه و شکوه‌ی عاشقانه آغاز می شود، وقتی نامه به شاه می رسد پاسخ می دهد:

ندانستـــم آن روز قدر وصـال بدانستم اکنون که چونست حال

گر از در برونم کنی بی حجاب درآیم زبام توچـــون آفتـــاب

(سلمان، 1367: 489)

این نامه نگاری در فراق نامه سه بار تکرار می شود تا این که دلدار به دیدار شاه می رود و به دیدن او روی تازه می کند.

8- توصیف در دو داستان

توصیف یکی از جنبه های عام تکاملی ذهن و تفکر بشراست. «اصولا شعر در طـی تـاریخ خود از عینیت به طرف ذهنیت حرکت کرده است؛ به قول هگل این حرکت از مادیت و عینیـت (محسوس بودن) به طرف معنویت و ذهنیت (معقول بودن) در مـورد کـل هنـر صـادق اسـت» (شمیسا، 1380: 14). مسأله‌ی توصیف در لیلی و مجنون و فـراق نامـه، یکـی از عمـده تـرین شاخص های ادبی به شمار می رود. توصیف با تمرکز بر یکی از موارد مد نظر شاعران ایـن دو منظومه، آغاز می شود شاعران این دو داستان با ملاحظه‌ی دقیق و جزیی معشوق، در چند بیـت به توصیف جامع و دقیق معشوق می پردازند. این توصیفات، معمولا دقیق و بدون اشکال اسـت و این، خود در نتیجه‌ی برخورد مستقیم شاعر با راستین بودن عاطفه‌ی شاعراسـت. توصـیف در این دو داستان به دو دسته تقسیم می شود:

الف- گونه‌ی اول، آن دسته از توصیفاتی را شامل می شود که حول محـور یـک موضـوع کلی است و توصیفات گوناگونی که ارائه می شود بـه روشـن شـدن اجـزای موضـوع کمـک

Archive of SID

www.SID.ir

می‌کند. این نوع توصیف حاصل نگاه شاعر از زوایای مختلف به یک مسأله است. به طوری که گاه چند بیت پی در پی در وصف یک صحنه آمده و صرفاً با تغییر زاویه‌ی دید شاعر، جلوه‌ای جدید از موضوعی واحد ارائه می شود. نظامی و سلمان دریافت حسی واحدی را از یک موضوع به شکل توصیفات گوناگون و مفصلی ارائه می‌کنند تا به جایگیری آن در ذهن و تاثیرگذاری آن قوت بیشتری بخشند.

ب- گونه‌ی دوم، آن دسته از توصیفاتی را شامل می شود که همگی به طور موازی و در راستای هم توصیفی از یک موضوع واحد به شمار می رود. در این شیوه، شاعر یک موضوع کلی را در نظر می‌گیرد و آن گاه با توصیفات جزیی و دقیق، تمام بخش های مختلف صحنه را به تصویر می کشد. چنین شگردی به ماندگاری تصویر در ذهن و القای تاثیر آنان کمک زیادی می کند. البته این گونه توصیف در داستان به منظور توصیف دقیق صحنه به کارگرفته می شده است؛ این نوع توصیفات تفصیلی در لیلی و مجنون و فراق نامه هر دو کاربرد دارد.

9- ستایش ممدوح در هر دو داستان

نظامی در ابیات آغازین لیلی و مجنون، اخستان منوچهر را مدح می نماید:

سر خیل سپاه تاجداران — سر جمله جمله شهریاران
زین طایفه تا به دور اول — شاهیش به نسل در مسلسل
رزاق نه آسمان ارزاق — سردار و سریردار آفاق
دریای خوش آب نام دارد — زو آب حیات وام دارد
قیصر به درش جنیبه داری — فغفور گدای کیست
وان بدر که نام او منیر است — در غاشیه داریش حقیر است
چون بزم نهد به شهریاری — پیدا شود ابرنو بهاری
آن روز که روز بار باشد — نوروز بزرگوار باشد
نادیده بگویم ازجد و بخت — کو چون بود از شکوه برتخت

Archive of SID

www.SID.ir

چـــون بدرکه سر بـرآرد ازکوه صف بسته ستـاده گـردش انبـوه
یا پـــرتـــو رحمـــت الهـــی کاید به نـــزول صبحگـــاهـی
زان شه که محمدی جمال است روزی کنی آن چه در خیال است

(نظامی، 1369: 19- 17)

سلمان نیز درمدح ممدوح، ترکیبات و مفاهیمی مشابه نظامی به کاربرده است:

فشاننده گنج دریـــا بـــه بـــزم درانده قلـــب خـــارا بـــه رزم
فرازنده پـــایـــه ســـروری فـــــروزنده ماه نیک اختـری
سپهر از کمـــر بستگـــان درش ظفریک سپاهی است از لشکرش
بر آفاق گستـرده ظل همـــــای در آن سایه آسوده خلق خـدای
نگینی است خورشید بر افـسرت حبابی است ناهید در سـاغـرت
زمین وزمانه به کام تـوانـــــد همه پادشاهـان غلام تـــوانـد
ترادادِ رسم است و بخشش‌طریق همین کن که توفیـق بادت رفیق

(سلمان، 1367: 535)

از مقایسه‌ی این دو بر می آید که:

الف- هر دو شاهی را در خاندان ممدوح زنجیره ای و مسلسل می دانند.

ب- هر دو در بزم بخشنده و در جنگ رزمنده تصویر شده اند.

ج- هر دو شاهان را غلام درگاه ممدوحان می خوانند.

د- هر دو برای مدح ممدوح از ماه و خورشید در تصویر استفاده می کنند.

10- روایت در هر دو داستان

در بخش روایی، شاعر معمولا برخطی مستقیم به پیش می رود و زبانی کم و بیش ساده بـه کارمی گیرد (بورگل،1370: 14). اگر نمودار ارسطویی، آغاز- فرجام و طرح داسـتانی (Plot)

Archive of SID

www.SID.ir

را به عنوان عامل مشخص کننده در نقل و روایت داستان به شمار آوریم، می توان گفت لیلـی و مجنون نظامی و فراق نامه سلمان از ویژگی های روایی برخوردارند.

منظور از روایت مستقیم (خطی)، همانا خط سیر داستانی یکرویه ای است که بر سیر طبیعی رویدادها و حوادث مبتنی است. درحالت کلی، ساختار روایت در لیلی و مجنون و فراق نامه بـه گونه زیراست:

آغاز(Beginning) < پیچیـدگی(Complication) < نقطـه عطـف(Climax) < حـل مسأله(Resolution) < فرجام (Denouncement) عشق قیس بنی عـامر و لیلـی در مکتـب خانه < موانع وصال این دو شخصیت< شوهر کردن لیلی به ابن سلام< مرگ مجنون.

عشق شاه اویس و بیرام شاه< رفتن بیرام شاه به حالت قهر به بغـداد< صـلح بیـرام و شـاه اویس< رفتن بیرام به جنگ گیلانیان< مرگ بیرام.

لیلی ومجنون وفراق نامه برمبنای روایت بنا شده است. روایت در ایـن دو منظومـه گـاهی شکل تصویری وگاهی نمایشی (دراماتیک) است.

11- پند به فرزند در هر دو داستان

نظامی در لیلی و مجنون به فرزند خود نصیحت می کند و به او پند می دهد:

غافل منشین نـــه وقت بازی است　　وقت هنر است و سرفـرازی است
دانش طلـــب وبزرگـــی آمـــوز　　تـــابه نگرنـــد روزت از روز
دولت طلبـــی سبـــب نگهـــدار　　با خلق خدا ادب نگهـــــدار...

(نظامی، 1369: 26)

سلمان ساوجی نیز در فراق نامه، فرزند خود را اندرز می دهد منتهی از نوعی دیگر:

جوانی و فرزانه و هـــوشیـــار　　اوان جـــوانی غنیمت شمـار
جوانی است سرمایه ای بس عزیز　　به بازی چومن درنبازی به نیز...

(سلمان، 1367: 537)

Archive of SID

www.SID.ir

نتیجه

آثار ادبی زبان فارسی همچون حلقه های زنجیر به یکدیگر پیوسته اند. هر اثر، از آثار پیش از خود بهره گرفته و بر آثار پس از خود نیز سایه افکنده است. نظامی از جمله شاعرانی است که ردّپای ذهن وزبان او در آثار دوره های بعد کاملاً مشهود است. سلمان نیز با تأثیرپذیری از شاعر صاحب سبکی چون نظامی، اثری زیبا به نگارش درآورده است.

به طورکلی از مباحث مطرح شده در مقاله نتیجه می گیریم:

- هر دو اثر از آثار پیش از خود بهره گرفته اند، اما در هر دو داستان خلاقیت ذهنی شاعران دیده می شود.
- فراق نامه سلمان، تحت تأثیر لیلی و مجنون نظامی خلق شده است و سلمان، به طور کامل، از طرح نظامی، در لیلی و مجنون تبعیت می کند.
- هر دو اثر، وحدت مضمون و محتوا دارند.
- در هر دو اثر، عشق جسمانی، در پایان داستان، به عشق عرفانی بدل می شود.
- در هر دو منظومه روال داستان منطقی است و تا پایان ادامه دارد و فقط عشق مدّ نظر است. نکته‌ای که نظامی و سلمان پیوسته در طول داستان بدان توجه دارند، سیر داستان از عشق زمینی به عشقی عرفانی است.
- عاشق و معشوق در هر دو داستان، مدتی دور از هم به سر می برند و این امر بر جنبه‌ی سوز و گداز و درد فراق عشق می افزاید تا این که این هجران به مرگ متصل می گردد. به عبارتی در هر دو داستان، در پایان ،دو عاشق و معشوق به هم نمی رسند.
- قالب شعری هر دو داستان مثنوی است و زاویه‌ی دید هر دو داستان نیز سوم شخص است.

Archive of SID

www.SID.ir

منابع

1- ابوالفرج اصفهانی (1383 ق) **الاغانی**. لبنان: بیروت. دارإحیای التراث العربی.

2- ابن الندیم، محمدبن اسحاق(1348ق) **الفهرست**. مصر: المطبعه الرحمانیه.

3- ابن قتیبه الدینوری (1370 ه.ق) **الشعروالشعراء**. تحقیق احمد محمد شاکر. القاهره.

4- اته، هرمان (2536) **تاریخ ادبیات فارسی**. ترجمه رضازاده شفق. تهران: ترجمه ونشرکتاب.

5- بورگل، ی.ک(1370) **منظومه عاشقانه**. ترجمه فرزانه طاهری. نشردانش. س یازدهم،ش 6، مهروآبان،

6- جاحظ(1384) **رسائل جاحظ**. تحقیق عبدالسلام محمد هارون. مصر: مکتبه الخانجی.

7- ـــــ (1357) **کتاب الحیوان**. تصحیح عبدالسلام محمد هارون. مصر: مکتبه مصطفی البابی الحلبی.

8- ـــــ (1380) **البیان والتبیین**. تصحیح عبدالسلام محمد هارون. مصر: مکتبه الخانجی.

9- حافظ شیرازی، شمس الدین محمد(1363) **دیوان**. به کوشش ابوالقاسم انجوی. سازمان انتشارات جاویدان.

10- ریپکا،یان(1354) **تاریخ ادبیات**. ترجمه عیسی شهابی. تهران: انتشارات گوتمبرگ.

11- زرین کوب، عبدالحسین (1363) **پیرگنجه در جستجوی ناکجاآباد**. تهران: سخن.

12- سبحانی، توفیق(1377) **تاریخ ادبیات 2**. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.

13- سجادی، ضیاء الدین(1372) **لیلی و مجنون در قرن ششم هجری و لیلی و مجنون نظامی**. مجموعه مقالات نهمین کنگره تولد نظامی. به اهتمام منصور ثروت. تبریز: دانشگاه تبریز.

14- سلمان ساوجی(1367) **دیوان سلمان ساوجی**. به تصحیح عباس علی وفایی. تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخرفرهنگی.

15- سیدحسینی، رضا(1376) **مکتب های ادبی**. جلد اول. تهران: انتشارات نگاه.

Archive of SID

www.SID.ir

16- شمیسا، سیروس(1380) **سیر غزل در شعر فارسی**. تهران: فردوس.

17- شمیسا، سیروس(1383) **انواع ادبی**. تهران: فردوس.

18- صفا، ذبیح الله(1366) **تاریخ ادبیات در ایران**. جلدسوم. بخش دوم. تهران: فردوس.

19- کراچکوفسکی، ا. ا. (1373) **لیلی ومجنون**. ترجمه کامل احمدنژاد. تهران: زوار.

20- مشفق، منصور(1336) **دیوان سلمان ساوجی**. با مقدمه تقی تفضلی: تهران.

21- مولوی، جلال الدین محمد(1366) **مثنوی معنوی**. جلد اول. تصحیح نیکلسون. تهران: انتشارات مولی.

22- ناصرخسرو(1350) **سفرنامه**. به کوشش نادر وزین پور. تهران: چاپخانه سپهر با همکاری انتشارات فرانکلین.

23- نظامی، الیاس بن یوسف (1363) **لیلی و مجنون**. جلد اول. به تصحیح وحید دستگردی. تهران: موسسه مطبوعاتی علمی.

24- ـــــــــــــــــ (1369) **لیلی و مجنون**. به تصحیح برات زنجانی. تهران: دانشگاه تهران.

25- یاحقی، محمدجعفر(1369) **فرهنگ اساطیر**. موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی و سروش.

Archive of SID

www.SID.ir